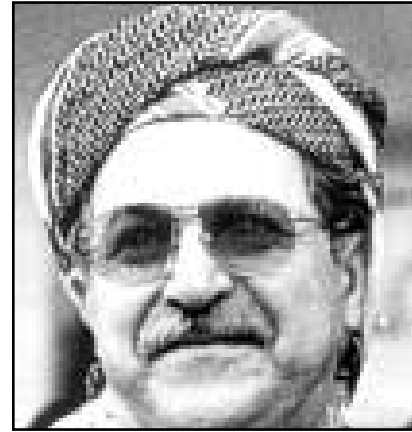


دلایل رویکرد امریکا به

گروه‌های مغضوب مخالف صدام

احمد حسینی



محافل سیاسی مخالف رژیم عراق اعلام کرده‌اند، نمایندگان از سوی مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق، حزب دمکرات و اتحادیه میهنی کردستان عراق و جنبش همبستگی ملی طی روزهای گذشته با مقامات امریکایی در واشنگتن دیدار کرده و پیرامون راههای سرنگونی صدام حسین، مذاکرات جامعی را به عمل آورده‌اند. این خبر، پس از انتشار خبر دیدار محرمانه مسعود بارزانی و جلال طالبانی، رهبران حزب دمکرات و اتحادیه میهنی با مقامات امریکایی در حومه برلین در ماه گذشته میلادی و توافق آنها برای حمایت از حمله به عراق در ازای الحاق کرکوک به کردستان عراق، دومین خبر تکان دهنده چند هفته اخیر در عرصه تحولات عراق به شمار می‌رود.

اولین اخبار رسیده حاکی از آن بود که نمایندگان چهار جناح فوق که اکنون مقامات امریکایی از آنان تحت عنوان گروه چهارگانه معارض عراق یاد می‌کنند، در مذاکره با مقامات وزارت امور خارجه امریکا، شورای امنیت ملی و سازمان اطلاعات مرکزی (سیا)، در مورد عراق پس از صدام به بحث پرداخته‌اند. نکته‌ای که با انتشار این خبر، ذهن تحلیل‌گران مسائل منطقه را به خود مشغول نمود، آن بود که چه شرایطی سبب شده است تا امریکا تن به مذاکره با مقامات کرد و شیعی عراق بدهد، به ویژه آن که در طرح ابتدایی امریکا برای حمله به عراق و برنامه‌ریزی برای آینده این کشور، حذف عنصر شیعه از ساختار سیاسی عراق جزو اصول قطعی این طرح ذکر شده است.

نگاهی به وضعیت نیروهای سیاسی حاضر در هیات حاکمه امریکا، تا حدودی به این سوال پاسخ می‌دهد. در حال حاضر، اساسا کاخ سفید به دو

و کاخ سفید قرار گرفته است.

قطع کمک‌های مالی امریکا به این گروه معارض که از دوماه پیش آغاز شده و به تبع آن، کندی فعالیت‌های تبلیغاتی این گروه که با تعطیلی دفاتر آن در برخی کشورها از جمله ترکیه و یا منطقه شمال عراق همراه شده، نخستین ضربه‌ای بود که کنگره از امریکایی‌ها دریافت نمود. اکنون به نظر می‌رسد توجه اغراق‌آمیز کاخ سفید به نمایندگان این چهارگروه و دعوت از آنان برای بحث در مورد عراق آینده را باید با در نظر گرفتن چنین اختلافاتی تحلیل نمود. لذا شکل‌گیری این گروه چهارگانه صرفا یک مانور سیاسی از سوی وزارت خارجه امریکا و وانمود کردن آغاز یک استراتژی فعال برای سرنگونی صدام است که البته هدف اصلی آن، کاستن از نقش و جایگاه کنگره ملی عراق و شخص احمد چلبی



است تا مقدمه‌ای برای یک «کنگره ملی عراق» جدید و بدون حضور عناصری مانند وی باشد. اما نکته قابل توجه حضور نماینده مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق در این جمع و انتشار خبر اولیه این نشست از سوی مجلس اعلا می‌باشد. شکی نیست اخبار و گزارش‌هایی که اکنون در خصوص اختلافات جزئی میان جناح‌های مجلس اعلا منتشر می‌شود، می‌تواند یکی از علل و توجیحات توجه مجلس به قدرت‌های خارجی باشد، به ویژه آنکه اکنون به نظر می‌رسد

امریکا واقعا قصد کنار گذاشتن صدام از قدرت را دارد، اما در چنین شرایطی نیز نباید سیاست‌های کلی امریکا برای منطقه خلیج فارس را که براساس حذف عناصر مخالف با آرمان‌های سلطه‌گراانه ایالات متحده بنا شده‌اند، نادیده گرفت.

متاسفانه اکثر گروه‌های سیاسی فعال در عراق از زاویه منافع زودگذر به بحران این کشور توجه دارند و به همین منظور، تلاش می‌کنند حافظه خود را منحصر به تحولات چندماه اخیر در عرصه این بحران بنمایند، اما بی‌شک حافظه تاریخ، حادثه تلخ سرکوب قیام سال ۱۹۹۱ مردم عراق را که با اغماض و اجازه کاخ سفید برای نظام بغداد صادر شد، هیچ‌گاه فراموش نخواهد کرد. کردها هم به خوبی به یاد دارند که در سال ۱۹۹۶، چگونه قطع حمایت لجستیکی امریکا از گروه صندفیری معارض که برای سرنگونی صدام آموزش دیده بودند به نظامیان حزب بعث اجازه داد تا شهر اربیل را به زیر پوئین خود درآورند و پارلمان کردستان عراق را که به زعم کردها، سمبل دموکراسی و خودمختاری آنان بود، به اشغال درآورده و آن را چند صباحی به یک پادگان تبدیل کنند.

در چنین شرایطی، بدیهی است شعار «تغییر سیاسی نظام از درون و به خواست مردم» تنها راه پسندیده برای احقاق حقوق مردم و گروه‌های سیاسی عراق می‌باشد.

